



۲۰۱۸/۰۵/۰۹

هدایت الله ذاهب

## یک آیه بیانگر حالت امت

درک جهان مدرن یکی از مشکلات بزرگ انسان این عصر است، زیرا باوجود پیشرفت بی سابقه بشر در عرصه های اقتصادی، اجتماعی، انسان شناسی و سیاسی، انسان این عصر به فلاح و سعادت متناسب به این پیشرفت نرسیده بلکه برعکس ترقی های مفید و غیر مفید عصر مدرن، انسان ها را به سوی ناخوشی، نارضایتی و عدم سعادت سوق داده است چنانچه "مایکل فولی" در کتاب خود به نام عصر پوچی می نویسد: همه چیز در مورد شرایط زندگی مدرن شما را برای یک زندگی ناخوش، زندگی توأم با آرزوهای شکسته و زندگی پیوسته با امید های عقیم و خنثی آماده می کند<sup>۱</sup>. مشکل درک در این عصر به سبب قلت معلومات و داده ها در مورد پدیده ها، روندها <\*> ویژگی ها و خصایص این عصر نیست، بلکه از دیداد، ارزانی و فراوانی معلومات ضد و نقیض درک این عصر را مشکل می سازد. انسان عصر مدرن در اسرع ثانیه ها می تواند در مورد کوچک ترین پدیده یا شیء هزاران صفحه معلومات از هزاران منبع دریابد که با هزاران لفظ، هزاران شیوه و هزاران دیدگاهی به شکل افراطی مخالف از هم به تبیین آن پدیده و شیء پرداخته است. گرفتن معلومات مختلف درک حقیقت را برای انسان عصر مدرن ناممکن ساخته و این عصر را به عصر اغتشاش و گجی مبدل کرده است. امت اسلام که در این عصر، رقت بارترین سیر تاریخی خویش را سپری می کند نیز مانند سایر انسان های عصر مدرن دچار اغتشاش و گجی عمیق شده است. گجی و اغتشاش سایر انسان ها نسبت به موجودیت معلومات بیش از حد و ضد و نقیض می تواند توجیه پذیر باشد، اما نمی توان سر در گمی و گم گشتگی امت اسلام را که راهنمایی به نام قرآن دارند، کتابی که روشنگر هر چیز بوده، عدم تحریف آن ضمانت شده و نوری از تاریکی به سوی روشنی هاست، توجیه کرد. با تأسف امت اسلام نیز مانند سایر انسان های این عصر یا غرق معلومات بی ثبات (کتب از علمای اسلام و غیر مسلمان) شده و یا حتی از آن هم دوری جسته و بروی چراغ دست داشته خویش (قرآن) پرده می افکنند. البته برای درک عصر و مشکلات آن، خواندن کتب علمای اسلام و غیر مسلمان لازمی است ولی یک مسلمان تنها زمانی به حقیقت می تواند برسد که بر علاوه کتب همواره در تماس با قرآن باشد و تنها قرآن است که می تواند حقیقت را از دروغ و اشتباه در کتب جدا کند و جواب هر سؤال ما را بدهد. علامه اقبال (رح) چه زیبا فرموده است:

سینه ها از گرمی قرآن تهی

از چنین مردان چه امید بهی

الله عزوجل چه زیبا می فرماید: وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ<sup>۲</sup> :- ترجمه: و بعضی کافران دوستان بعضی دیگرند، اگر (به این سفارش) عمل نکنید، در زمین فتنه و فساد بزرگی برپا می گردد.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ :- کافران دوستان و متحدین همدیگرند: الله عزوجل در اینجا یک حقیقت را در مورد دشمنان اسلام آشکار می کند و آن اینکه کفار در دشمنی، عداوت، کینه توزی با مسلمانان دوستان یکدیگر بوده و همیشه دست به دست هم داده در از بین بردن اسلام و مسلمانان کار می کنند، اگرچه نظر به بعضی آیات قرآن و حقایق تاریخی

گاهی با هم دیگر نیز درگیر می شوند و بعضی اوقات مسیحیان با مسلمانان دوستی نشان می دهند، اما در دشمنی با این امت همیشه هم دست یکدیگر بوده و حامی یکدیگر در موضع گیری مقابل اسلام قرار می گیرند.

إِلَّا تَفْعَلُوهُ :- اگر شما ای امت اسلام چنین نکنید یعنی دوستان یکدیگر نشوید، متفرق شوید، باهم دیگر دشمن شوید و گروه های مختلف متخاصم شکل دهید. پس از آشکار نمودن یک حقیقت الله عزوجل در یک جمله شرطیه برای امت محمدی هشداری حالتی را می دهد که امروز امت اسلام گرفتار آن است. پس از فروپاشی خلافت عثمانی، مسلمانان به بیش از ۵۰ کشور متخاصم که فقط به خاطر پدیده ای به نام منافع ملی دشمن یکدیگرند، متفرق شدند؛ افغان دشمن پاکستانی و ایرانی شد که الله عزوجل آن ها را برادر خوانده است، ترک دشمن عرب شد که از نظر اسلام برادرش است، عراقی دشمن سوری و عربستانی دشمن یمنی شد. بعد ها زمانی که این تفرق دست های دشمن را بالای امت دراز کرد، گروه هایی به خاطر احیاء امت سر بلند کردند ولی با تأسف که این گروه ها نیز به زودی هدف احیایی و تهدید دشمن را فراموش کرده و به دشمنی به یکدیگر پرداختند. دشمنی میان گروه های اسلامی اوج گرفت و این گروه ها به خاطر توجیه دشمنی های خویش به دامان مذاهب پناه بردند و به اختلافات مذهبی دامن زدند و برخلاف فرمان الله عز و جل که می فرماید: "وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ، مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ جَزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرْحُونَ"<sup>۳</sup> :- ترجمه: و از مشرکان مباشید، از کسانی که دین خود را قطعه قطعه کردند و فرقه فرقه شدند هر حزبی بدان چه پیش آن هاست دل خوش شدند" عمل کردند. امروز این حالت را همه می توانیم با چشم سر ببینیم که هزاران گروه به نام اسلام در سراسر بلاد اسلامی سر بلند کرده و هر کس مدعی راه حق بوده و سایرین را مرتد، کافر، منافق و فاسق می خوانند و هر گروه به برداشتی که از دین دارند دل خوش اند. برعلاوه، اختلافات مذهبی در اوج آن رسیده و هر مذهب پیروان سایر مذاهب را گمراه و کافر خطاب می کند.

تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ :- در زمین فتنه و فساد بزرگی برپا می گردد: هر انذار الهی در صورت عمل کردن بر خلاف آن پیامد های ناگوار دارد. بعد از انذار، الله عز و جل ادامه داده می فرماید که اگر شما ای امت محمد ﷺ متحد نباشید در زمین فتنه و فساد برپا خواهد شد. فتنه و فساد جهانی امروز از چشم هیچ بیننده ای در حجاب نیست. پس از سقوط خلافت، دو جنگ جهانی، ده ها جنگ بین کشورهای و صدها جنگ داخلی خون میلیون ها انسان را گرفت. فساد در خانواده، فساد در زراعت، فساد در نظام اقتصادی، اجتماعی و سیاسی و حتی فساد در بر و بحر از شاخصه های این عصر است. فسادی که در کشورهای اسلامی برپا است روزانه جان صدها و هزاران مسلمان را گرفته، مسلمانان را مغشوش ترین امت روی زمین ساخته است، و اکثر مسلمانان را از هدایات اسلام دور ساخته است.

خواننده گرامی! در عصر فساد و فتنه ها تماس همواره با قرآن بهترین حصار و سد در مقابل فتنه ها است. مهم نیست چقدر کتاب می خوانیم، چقدر به سخنان عالمانه گوش فرا می دهیم و یا چقدر عالم هستیم، اگر همواره در تماس با قرآن نیستیم و کوشش نمی کنیم از قرآن علم بیاموزیم و حقایق، روند ها و حکایات جاری را نظر به قرآن بررسی نمی کنیم رسیدن به حقیقت ناممکن است. قرآن کتابی نیست که تولید علم در آن خاتمه یابد و اگر تفاسیر قرآنی بیانگر همه چیز در قرآن می بود الله عز و جل تفکر بالای آیات قرآن را توصیه نمی کرد. تنها قرآن است که می تواند حقایق را روشن کند و برماست که با تماس همیشگی با این منبع نور از نور آن مستفید شویم. ثانیاً از کسانی که همیشه به اختلافات دامن می زنند، صفحه های فیس بوکی برای بدگویی، بدبینی و نفرت پراکنی مقابل مذاهب تشکیل می دهند و دغدغه بزرگتر از نفاق افگنی و اختلاف افگنی ندارند دوری جویم. بدون اتحاد نمی شود به احیا پرداخت. به امید

بیداری امت اسلام!

منابع:

- 1- Phil Hogan; Guardian; The Age of Absurdity: Why Modern Life Makes It Hard to Be Happy by Michael Foley (21 Feb 2010)  
2- سوره ۸: الأنفال؛ آیه ۷۳
- 3- سوره ۳۰: الروم؛ آیات ۳۱ و ۳۲

<\*> اصطلاح «روند» از همان کلمات و اصطلاحاتی است که با ترکیب تجاوز فرهنگی ایران به افغانستان آورده شده و در نوشتار و گفتار مردم افغانستان معمول و مقبول نیست. ما در افغانستان و در زبان دری خود ما به آن از این کلمات استفاده می کنیم: «روش»، «جریان»، «طرز» و کلمات دیگری استفاده می کنیم که نزد مردم و در ادبیات ما معمول و مقبول است. اداره آریانا افغانستان آنلاین

